

۲۲۸۰۷۱۲  
۱۳۸۳/۳/۲۸

# تفکیک قوا

در فقه و حقوق اساسی

نویسنده:

علی ابوالفضل

دانشجوی دکتری حقوق عمومی

با ویرایش  
آیت الله عباس کعبی

مطبع  
۱۳۸۳

سرشناسه	ابوالفضل، علی، ۱۳۵۵-
عنوان و نام پدیدآور	تفکیک قوا در فقه و حقوق اساسی / نویسنده علی ابوالفضل؛ با دیباچه عباس کعبی.
مشخصات نشر	تهران: دادگستر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۳۶۶ ص.
شابک	978-600-282-221-5 : ۱۷۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۲۹ - ۳۶۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	تفکیک قوا -- ایران Separation of powers -- Iran تفکیک قوا Separation of powers
شناسه افزوده	کعبی، عباس، ۱۳۴۱ - مقدمه نویس
رده بندی کنگره	۲۲۹JF :
رده بندی دیویی	۴۰۴/۳۰۲ :
شماره کتابشناسی ملی	۸۷۸۲۴۲ :
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیبا

### تفکیک قوا در فقه و حقوق اساسی

نویسنده: علی ابوالفضل

ناشر: انتشارات دادگستر

چاپ اول: خرداد ۱۴۰۱

شماره: ۲۰ جلد

قیمت: ۱۷۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۲-۲۲۱-۵

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای نشر دادگستر محفوظ است. تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است. این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

دفتر مرکزی انتشارات: تهران، میدان حضرت ولی عصر(عج)، بلوار کشاورز،

ابتدای خیابان فلسطین، کوچه شهید ذاکری، پلاک ۶، واحد یک

تلفن ۸۸۹۰۴۴۶۵ - ۸۸۹۰۵۴۶۰ فکس ۸۸۹۱۰۳۳۳

کدپستی: ۱۴۱۶۷۵۳۶۸۱

آدرس سایت: www.dadgostarpub.ir

## فهرست مطالب

۱۱	.....	دیباچه
۱۷	.....	مقدمه

### بخش اول مفاهیم و کلیات

#### فصل اول - مفاهیم

۲۵	.....	مبحث اول: قدرت
۲۶	.....	گفتار اول: معنای لغوی
۲۷	.....	گفتار دوم: معنای اصطلاحی
۲۸	.....	مبحث دوم: تفکیک قوا
۲۸	.....	گفتار اول: مفهوم اصطلاحی تفکیک قوا
۳۱	.....	بند اول: توزیع وظایف و تقسیم کار حکومت‌ها
۳۳	.....	بند دوم: اصل مستقل بودن قوای سه‌گانه
۳۳	.....	بند سوم: اصل متوازن بودن قوای سه‌گانه
۳۵	.....	گفتار دوم: دو مفهوم مرتبط با تفکیک قوا
۳۶	.....	بند اول: استقلال قوا
۳۷	.....	بند دوم: قوه تعدیل‌کننده
۳۸	.....	مبحث سوم: فقه سیاسی
۴۱	.....	مبحث چهارم: حقوق اساسی
۴۳	.....	نتیجه‌گیری فصل اول

## فصل دوم

### کلیات

۴۵	مبحث اول: سیر تاریخی نظریه تفکیک قوا
۴۹	مبحث دوم: مبانی نظری تفکیک قوا
۴۹	گفتار اول: ضرورت وجود دستگاه حاکمه
۵۲	گفتار دوم: تبیین فلسفه تفکیک قوا
۷۰	مبحث سوم: انواع تفکیک قوا
۷۰	گفتار اول: براساس نوع نظام‌های سیاسی
۷۰	بند اول: تفکیک مطلق قوا
۷۲	بند دوم: تفکیک نسبی قوا
۷۳	گفتار دوم: براساس سلسله مراتب قوای حکومت
۷۳	بند اول: تفکیک عمودی قوا
۷۴	بند دوم: تفکیک افقی قوا
۷۵	مبحث چهارم: تفکیک قوا به مثابه روش یا ارزش
۷۷	گفتار اول: تفکیک قوا به مثابه ارزش
۷۹	گفتار دوم: تفکیک قوا به مثابه روش
۸۴	مبحث پنجم: ساختار حکومت اسلامی
۹۲	ساختار حکومت اسلامی در عصر حضور
۹۷	ساختار حکومت اسلامی در عصر غیبت
۱۰۱	نتیجه‌گیری فصل دوم

## بخش دوم

### نظریه تفکیک قوا در نظام سیاسی اسلام و حقوق اساسی ایران

## فصل اول

### تفکیک قوا در نظام سیاسی اسلام

۱۱۰	مبحث اول: ماهیت قدرت و پیامدهای آن
-----	------------------------------------

- گفتار اول: ماهیت قدرت؛ ابزاری یا غیرابزاری ..... ۱۱۰
- گفتار دوم: پیامد مثبت قدرت ..... ۱۲۱
- بند اول: ایجاد امنیت در جامعه ..... ۱۲۲
- بند دوم: پاسداری از قوانین اجتماعی و حمایت از مقررات حقوقی ..... ۱۲۲
- گفتار سوم: پیامد منفی قدرت ..... ۱۲۳
- بند اول: دیکتاتوری و استبداد ..... ۱۲۵
- بند دوم: سلب آزادی ..... ۱۲۶
- مبحث دوم: کنترل و مهار قدرت ..... ۱۲۷
- گفتار اول: ضرورت کنترل و مهار قدرت ..... ۱۲۷
- گفتار دوم: ادله ضرورت مهار قدرت ..... ۱۲۸
- بند اول: داوری عقلی ..... ۱۲۸
- بند دوم: رهنمودهای ادیان الهی ..... ۱۲۹
- بند سوم: آثار قدرت رها شده ..... ۱۳۰
- گفتار سوم: مهار قدرت و سازوکارهای آن ..... ۱۳۱
- بند اول: انواع سازوکاری مهار قدرت (بیطور کلی) ..... ۱۳۲
۱. سازوکار مهار درونی ..... ۱۳۲
۲. سازوکار مهار بیرونی ..... ۱۳۶
- بند دوم: سازوکارهای مهار قدرت در نظام‌های غیردینی ..... ۱۳۷
۱. مهار درونی قدرت در نظام‌های غیردینی ..... ۱۳۸
۲. مهار بیرونی قدرت در نظام‌های غیردینی ..... ۱۳۸
- الف) قانون ..... ۱۳۹
- ب) مسئولیت همگانی (نظارت عمومی و مردمی) ..... ۱۴۰
- ج) رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی ..... ۱۴۳
- د) نظارت احزاب سیاسی ..... ۱۴۶
- بند سوم: سازوکارهای مهار قدرت در اسلام ..... ۱۴۷
۱. مهار درونی قدرت در اسلام ..... ۱۴۹

۱۵۱	عوامل مهار درونی قدرت در اسلام.....
۱۶۰	۲. مهار بیرونی قدرت در اسلام.....
۱۶۱	عوامل مهار بیرونی قدرت در نظام اسلامی.....
۱۷۱	مبحث سوم: نظریه‌های فقهی و اندیشمندان اسلامی همسو با تفکیک قوا.....
۱۸۷	نتیجه‌گیری فصل اول.....

## فصل دوم

### تفکیک قوا در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱۹۱	مبحث اول: مبانی.....
۱۹۳	مبحث دوم: نظریه‌های حقوقی.....
۲۰۱	نتیجه‌گیری فصل دوم.....

## بخش سوم

### نظریه تمرکز قوا در نظام سیاسی اسلام و حقوق اساسی ایران

## فصل اول

### تمرکز قوا در نظام سیاسی اسلام

۲۱۱	مبحث اول: مبانی تمرکز قوا.....
۲۱۲	۱. کارآیی تصمیمات.....
۲۱۲	۲. سرعت اقدام.....
۲۱۲	۳. پشتوانه قدرت.....
۲۱۳	۴. غیرقابل تجزیه بودن حکومت.....
۲۱۷	۵. تقسیم کار.....
۲۲۰	مبحث دوم: تبیین دیدگاه اسلام درباره تمرکز قوا.....
۲۲۰	گفتار اول: تمرکز قدرت در نگاه کلی اسلام.....
۲۲۶	گفتار دوم: حق قانون‌گذاری (قوه مقننه).....
۲۳۳	گفتار سوم: قوه مجریه.....
۲۳۶	گفتار چهارم: قوه قضائیه.....

## دیباچه

### بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على خير الانام المصطفى ابالقاسم محمد (صلى الله و عليه و آله و سلم) و على آله الطيبين الطاهرين لاسيما بقيه الله فى الارضين و اللعن على اعدائهم اجمعين.

انسان موجودی اجتماعی است و حیات جمعی بدون قانون سامان نمی‌یابد. از سویی طبع اولیّه انسان همه سلطه‌طلبی و زیادت خواهی است و تجميع قدرت در یک نقطه مرکزی بدون فساد ممکن نیست. در نگاه به ماهیت قدرت و سرشت انسان و اقتضانات مدیریت سیاسی و کلان دولت - کشور فساد در همه‌ی نظام‌های سیاسی و اجتماعی در عمل اتفاق می‌افتد، اعم از فساد سیاسی، اقتصادی و ...

قرآن کریم و روایات اهل بیت (صلوات الله عليهم اجمعين) این واقعیت را تأیید کرده‌اند. خداوند متعال می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ» (۶) «أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى (۷)»، راه حل آن است که نهاد دولت به مثابه یک نیاز پایه‌ای برای انتظام حیات مدنی بر پایه‌ی هدایت و نقشه‌ی راه انبیاى الهی شکل گیرد و در رأس مدیریت کلان نهادهای عالی سیاسی و اجتماعی و قوای عمومی کشور، باید انسان‌های مؤمن، دانا، توانا، پارسا، بنده واقعی خدا، کارآمد، مدیر و آگاه به فنون مدیریت قرار گیرد.

این ویژگی‌ها نباید تنها در آرمان شهرها و مدینه‌های فاضله بحث شود. خدای

---

۱. علق، آیات ۶ و ۷، ترجمه: چنین نیست (که شما می‌پندارید) به یقین انسان طغیان می‌کند، (۶) از اینکه خود را بی‌نیاز ببیند! (۷).

متعال جهت تحقق نظم و امنیت و تأمین حداقل‌های معیشتی و رفاه و آبادانی و پیشرفت و عدالت و هدایت و رشد و تعالی و کمال مادی و معنوی انسان‌ها دولت را به مثابه نیازی واقعی و اصیل و ضرورتی تمدنی در تشریح الهی پیش بینی و سلسله جنبان دولت‌ها در آغاز حیات اجتماعی انسان‌ها، انبیا و رسل الهی بوده‌اند.

خدای متعال می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَمَا اختلفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوْتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۱</sup>

این آیه دلالت می‌کند که از همان آغاز حیات اجتماعی انسان‌ها، دولت به رهبری انبیای الهی به مثابه یک نیاز واقعی با کارویژه‌های مشخص تشریح شده است. زورگویان و ستم‌گران و زیادت خواهان و فرصت طلبان سود جو، بر پایه طبع اولیه و گرایش به ثروت و قدرت، از راه انبیا منحرف شده‌اند و در برابر پیام و نهضت حیات بخش الهی آنان صف آرایی کرده‌اند. لازمی کفر به طاغوت و ایمان به خدا، آن است که در رأس دولت کشورها و قوای عمومی، انسان‌های برگزیده الهی یا مأذون از خدا قرار بگیرند؛ وگرنه همان است که در فلسفه سیاسی و حقوق اساسی، دانشمندان صاحب نظر گفته‌اند، «قدرت فساد می‌آورد و قدرت مطلق، فساد مطلق می‌آورد» و با هیچ راه‌حلی نمی‌توان جلوی فساد قدرت را گرفت. راه حل پایه‌ای و بنیادین کنترل درونی قدرت است و تنها در صورتی می‌توان

۱. بقره، آیه ۲۱۳، ترجمه: مردم (در آغاز) یک دسته بودند، (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت، تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود، تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند، تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آنها را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (اما افراد بی‌ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.



ضریب فساد قدرت را به صفر رساند که در رأس قدرت سیاسی برگزیدگان الهی و انسان‌های صالح در خط انبیا قرار گیرند. از این جهت، در نظریه سیاسی اسلام، اولاً و بالاصاله، در رأس حاکمیت دین و دنیای مردم انبیا و امامان که انسان‌های کامل هستند، باید قرار بگیرند و در عصر غیبت، کسانی که از جهت علمی و اخلاقی و مدیریتی، هم افق با انسان کامل باشند، یعنی فقهای جامع الشرایط «مَجَارِي الْأُمُورِ وَ الْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَى حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ»؛<sup>۱</sup> زیرا ولایت فقیه تداوم راه انبیا است و یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن، مدیریت کلان ارزشی جامعه اسلامی و جلوگیری از استبداد و فساد قدرت سیاسی است. با این وصف، در کنار کنترل درونی و اخلاقی، بر اساس، نهاد مشورت و امر به معروف و نهی از منکر و مراجعه به متخصصان و نظارت و تقسیم کار و مشارکت سیاسی و اجتماعی انسان‌های شایسته و براساس مردم سالاری اسلامی و توأسی به حق و صبر و تعاون بر بر و تقوا، راه کنترل بیرونی قدرت هم پیش‌بینی شده است.

اما در لیبرال دموکراسی بر پایه نظریه قرارداد اجتماعی و حقوق اساسی معاصر، راه حل کنترل فساد قدرت را توزیع قدرت بر سه پایه قدرتی که قانون‌گذاری می‌کند (قوه مقننه) و قدرتی که حل اختلاف بر پایه قانون و نظارت عالی قضایی دارد (قوه قضاییه) و قدرتی که بر پایه قانون، مدیریت اجرایی را بر عهده دارد (قوه مجریه) تقسیم کرده است. تفکیک قوا در قیاس با تعبیر استقلال قوا که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بکار برده شده است، تعبیر نارسائی است و به همین علت به طور مطلق در هیچ نظام حقوقی پذیرفته نشده است. در نظام‌های ریاستی، پارلمانی و نیمه پارلمانی در کنار تفکیک قوا، ارتباط قوا نیز پیش‌بینی شده است؛ زیرا اصولاً سه قوه مظاهر یک حاکمیت و جلوه‌های گوناگون یک نظام سیاسی هستند و به هیچ‌وجه نمی‌توانند بدون ارتباط و همانند جزیره‌های جدای از هم تلقی شوند؛ زیرا این جدایی خلاف مقتضای نظام بودن است.

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، محقق و